

نگاهی به انگیزه‌ی نهضت‌ها در ایران



دکتر عبدالصاحب یادگاری
استاد بازنشسته علوم سیاسی
دانشگاه علامه طباطبائی

(ملوک‌الطوایف) ایجاد وحدت ارضی و استقرار حاکمیت ملی در پرتو اصول اسلام جعفری و ملیت ایرانی بر سراسر خاک کشور بود.

تشیع در واقع خمیر مایه‌ی حرکت انقلابی و مقاومت ملی ایران، در برابر تهاجم عثمانی که اصرار داشت تا ایران را بسان سایر سرزمین‌ها و کشورهای اسلامی دیگر به کام خود کند، محسوب می‌شد. ملت ایران که از تجربه‌ی تاریخی خود در رابطه با جنبش مردم خراسان به رهبری ابومسلم و عوارض منفی آن آگاه بود، این بار ابتکار رهبری حرکت سیاسی خود را در جهت آزادسازی کشور از سلطه‌ی بیگانه، بسیار حساب‌شده اتخاذ نمود و از مذهب تشیع به عنوان وسیله‌ی وحدت ملی بهره‌برداری کرد و به این ترتیب سران جنبش آزادی‌بخش ایران، هویت تاریخی و فرهنگ ملی خود را محفوظ داشتند.

همان گونه که تاریخ سیاسی جهان به ما آموخته است انقلاب‌های مردمی نه تنها با مخالفت ارتجاع داخلی مواجه بوده بلکه از خارج نیز با اعتراض و مقابله روبه‌رو شده است. انقلاب آزادی‌بخش و وحدت‌طلب صفویه از این قاعده مستثنی نبود. عثمانی خود را وارث خلافت عباسی معرفی می‌کرد و پس از تصرف مصر به وسیله‌ی سلطان سلیم در ۱۵۱۷ این انتقال خلافت، رسماً اعلام گردید براساس همین ادعا در مساجد شهرهای کشورهای تابعه‌ی عثمانی و عاظ‌الاسلاطین و شیخ‌الاسلام‌ها بر پایه‌ی اصل و اطع‌الله و الرسول و اولی‌الامر منکم به تفسیر احکام صادره از سوی سلاطین عثمانی می‌پرداختند و فتوای خود را که سلاطین عثمانی حامل رسالت نبوی هستند! صادر و همه‌ی اراضی و سرزمین‌های اسلامی را مشمول سیادت استانبول معرفی می‌نمودند.

ایرانیان از همان آغاز تشریف به دین مبین اسلام تلاش داشتند تا هویت ملی، فرهنگی و تاریخی خود را پاس دارند و لذا سعی آنان به این اصل استوار شد که در ضمن همبستگی دینی-عاطفی با مرکزیت اسلامی از یک گونه خودمختاری در ایالات و ولایات ایران برخوردار بمانند تا از این راه به پاسداری از فرهنگ ملی خود بپردازند. ایرانیان چون اصالت را در تشیع می‌دیدند لذا در فرصت‌هایی که به دست می‌آمد، جنبش‌هایی را که به منظور احیای احکام و اصول اصیل اسلامی برپا می‌شد تقویت می‌نمودند، چنان که در قیام مختاربن ابی عبیده قفقی ایرانیان بدنه‌ی اصلی ارتش عراق به فرماندهی مختار را تشکیل داده و در کنار علوی‌ها به مبارزه با ارتجاع اموی پرداختند و یا اینکه خود راسا علیه اشغالگران که به نام اسلام عدالت را پایمال و شقاوت را پیشه می‌ساختند، قیام می‌نمودند که بهترین مصداق آن قیام مردم ایران علیه امویان به رهبری ابومسلم خراسانی بود؛ اگرچه متأسفانه فقدان بینش سیاسی در رهبری قیام موجب انحراف و اسارت مجدد ایران شد. از دیگر شواهد تاریخی که دلالت بر پاسداری ایرانیان از هویت ملی-تاریخی خود دارد، نفوذ حساب‌شده‌ی دانشمندان ایرانی به دربار خلفای عباسی است که هدف آن سمت دادن سیاست‌های داخلی و خارجی دولت عباسی به سود ایران

هست که سلطنت‌های ملی اروپا اگرچه مبنای وجودی خود را نظریه‌ی «حق الهی» معرفی کرده بودند و حتی فلاسفه‌ای مانند هابس، به منظور توجیه حق حاکمیت پادشاهان اروپایی سده‌ی شانزدهم به ویژه در انگلستان مبنای فلسفی-سیاسی برای آن قایل شده‌اند. اما در واقع ساختار نظام‌های سلطنتی ملی اروپا بر پایه‌ی مصلحت‌طلبی «گوئیسم» و قدرت‌خواهی فتودال‌های ستمگر استوار بود، در حالی که رژیم سلطنتی صفویه اساساً، یک جنبش مردمی و استوار بر یک فلسفه‌ی سیاسی محسوب می‌شد.

زیربنای فلسفه سیاسی جنبش مردمی صفویه، اصول تشیع بود. سران جنبش صفویه مجموعه‌ی این اصول را ایدئولوژی حرکت سیاسی خود تلقی می‌کردند و چون خود را ایرانی احساس می‌نمودند و به ملیت بسان مذهب سخت دل بسته بودند، تلاش داشتند حتی به قیمت سرکوب معترضین به اصطلاح اسلام‌گرا، فلسفه‌ی سیاسی خود را بر کل جامعه‌ی مردم و سراسر کشور ایران آن روز تحمیل نمایند. این جریان در واقع سبب گردید تا از تحلیل رفتن ایران در جامعه‌ی ترک (عثمانی) که خود را پرچمدار اسلام معرفی می‌کرد و ادعای پاسداری از سنت پیامبر اسلام را داشت پیشگیری شود. به این ترتیب تشیع که ابتدا شریعت اسلامی به حساب می‌آمد، به عنوان مکتب فلسفی نهضت ملی، تعبیری از هویت تاریخی-ملی ایران را ارائه داد و بالاخره پاسداری راسخ از استقلال ملی ایران تلقی و معرفی گردید. از مجموعه‌ی بحث بالا می‌توان این نتیجه را گرفت: جنبش صفویه که به تاسیس رژیم سلطنت صفویه منجر گردید، زیربنای فلسفی سیاسی داشت، متکی به توده مردم بود و هدف نهایی آن آزادسازی جامعه از سلطه‌ی ستمگران، نفی حکومت‌های محلی تجزیه‌طلب

انگیزه‌ی نهضت‌ها در ایران ایجاد وحدت ارضی در قواره‌ی ژئوپلیتیک طبیعی و استقرار حاکمیت ملی بر سراسر خاک میهن بوده است. پیش از پرداختن به موضوع باید به زیربنای دوگانه اندیشه‌ی سیاسی جنبش‌های آزادی‌بخش ملی پرداخت. جنبش‌هایی که از دیدگاه مردم مقاوم ایران هدفش وحدت ارضی و استقرار حاکمیت ملی بر فضای جامعه و سراسر خاک میهن (فلات ایران) بوده است.

حکومت قدرتمند صفویه، که می‌توان آن را به عنوان یکی از سلطنت‌های ملی شناخت که در سده‌ی شانزدهم در جهان ما بلند کرد و تاریخ «عصر جدید» به آن مفهوم «دولت ملی» داده است در واقع از دیگر رژیم‌های سلطنتی که به ویژه در اروپای پس از قرون وسطی و در سده‌ی شانزدهم به وجود آمد، از لحاظ فلسفه‌ی بنیادی، اصیل‌تر محسوب می‌گردد. منطق استدلالی اینجانب در ارائه این ادعا این

حکومت قدرتمند صفویه، در واقع از دیگر رژیم‌های سلطنتی که به ویژه در اروپای پس از قرون وسطی و در سده‌ی شانزدهم به وجود آمد (از لحاظ فلسفه‌ی بنیادی) اصیل‌تر محسوب می‌گردد.



و دفاع از اصالت فرهنگ ملی کشورمان بود. از جمله‌ی این دانشمندان ابن‌المقفع بود که سرانجام قربانی شد و برمیگان که جان باختند.

سیاست تخطئه حاکمیت ملی کشورهای مسلمان که زیر شعار ضرورت تحلیل و اتحاد جوامع اسلامی و اجتماع در زیر چتر مرکزیت اسلامی- ترک به اجرا در می‌آید نمی‌توانست برای ایرانیان استقلال طلب جاذبه داشته باشد و به همین دلیل مردم ایران صفویه را یاری دادند و به دنبال آنان به اجرای اصل حاکمیت ملی شتافتند. پس هدف جنبش آزادی‌بخش صفویه احیای مجدد وحدت اراضی و استقرار حاکمیت ملی بر سراسر اجزای خاک میهن (که تجسم ایران واقعی را در قلمرو ایران عهد ساسانیان که قلمرو طبیعی و منطقی آریایی‌ها بود می‌توان مشاهده کرد) و به همین دلیل نیز نادرشاه افشار پس از رسیدن به رود سند با علامت‌گذاری بر آن، آن را آخرین مرز شرقی ایران معرفی نمود. در پرتو آتکاء به دو رکن اصیل فرهنگ ایران، ملیت ایرانی و اسلام جعفری، (که به طور تفکیک‌ناپذیر در یکدیگر ادغام شده‌اند) بود. این دو رکن فرهنگ ایران در واقع، دو اصل فلسفه‌ی سیاسی، (اگرچه غیرمدون و صریحا اعلام نشده، اما سخت محسوس و عملا ملموس از سوی فرزندان ایران)، جامعه‌ی مردم ایران را تشکیل می‌دهد و به این دلیل می‌توان ادعا داشت که جامعه‌ی سیاسی ایران، فطرتا و عملا، از یک آگاهی تاریخی نسبت به فرهنگ افتخارآفرین خود برخوردار است.

سیادت و تاثیر شگرف این دو ستون حکمت و فلسفه بر بینش سیاسی- اجتماعی جامعه‌ی مردم ایران، باعث تداوم حیات ملی، انسجام سیاسی و ضامن عمده‌ی بقای ایران، علی‌رغم سیاست‌های امپریالیستی و توطئه‌های شوم دشمنان داخلی و خارجی ایران بوده است.

به عقیده‌ی اینجانب آنچه در دوران صفویه باعث مقاومت دلیرانه‌ی مردم ایران در برابر تهاجم ازبک‌ها و ترک‌ها گردید با آنچه در آستانه‌ی انقلاب ۱۹۷۹ (۱۳۵۷ ه.ش) موجب پایداری ایرانیان مسلمان و میهن‌دوست در برابر تازیان بعثی شد، شباهت کاملی دارد، چرا که از یک بنیاد فرهنگی یگانه الهام می‌گیرد و تعبیری است از فلسفه‌ی سیاسی حاکم بر فضای جامعه و کشور ایران و ما می‌دانیم که اصل زیربنایی حیات ملی هر جامعه فلسفه‌ی سیاسی آن جامعه است.

آری، همان گونه که در صدها سال پیش اسماعیل صفوی سیزده‌ساله (مظهر وجدان ملی- سیاسی ایرانیان مسلمان) به هنگام مواجهه با مهاجمین ازبک و ترک، حضرت علی و ایران را فریاد می‌کشید، در ۱۹۸۰ نیز حسین فهمیده سیزده‌ساله (سمبل مقاومت ملی) به هنگام مبارزه با مهاجمین و به منظور دفاع از کیان و موجودیت ملی ایران، ملیت ایرانی و اسلام جعفری را گزیده بود که این انتخاب در هر دو برهه‌ی زمانی، چون تعبیری راستین از وجدان ملی ایران محسوب می‌شد از دیدگاه من انتخابی طبیعی و منطقی تلقی می‌گردد. دکتر محمد مصدق نیز با اعلام اینکه «وی یک ایرانی مسلمان است»

در واقع می‌خواست این واقیعت تاریخی- فرهنگی را در چارچوبه‌ی یک پیام آگاهی‌بخش استراتژیک مطرح نماید که: نهضت ملی ایران به دو رکن فرهنگ و فلسفه‌ی سیاسی ایران که ملیت ایرانی و اسلام تشیع است اعتقاد داشته و آن را تعبیری راستین از هویت ملی- تاریخی مردم ایران تلقی می‌نماید. حال اگر به دقت به محتوی و هدف القای این پیام استراتژیک دکتر محمد مصدق به ذهنیت جامعه‌ی سیاسی ایران توجه کنیم می‌توانیم از لحاظ هدف آن را با پیام آموزنده‌ی فیلسوف سیاسی ایران ابوالقاسم فردوسی مشابه دانیم که اعلام داشت:

«بسی رنج بردم در این سال سی
عجم زنده کردم بدین پارسی»

به این ترتیب می‌توانیم با جرات اعلام داریم که عامل اساسی در سقوط رژیم سلطنتی پهلوی خائن هرگز جنبه‌ی مادی نبود، بلکه شاه خائن و دربار نکبت‌زای او با دو رکن یا دو اصل فرهنگ میهن (ملیت ایرانی و اسلام تشیع) بیگانه بود. پسر رضاخان به طور کامل رهن اراده‌ی دو استعمار انگلیس و روس بود که واگذاری بحرین به انگلستان شاخصی است بر روحیه‌ی خیانت‌پیشه‌ی او که فیلسوف سده‌ی دوم هجری ایران فراهیدی در رابطه با نقش حیاتی فرهنگ ملی و رهبران ملی و آگاه در حیات سیاسی جامعه گفته است: هر حکومتی که با فرهنگ و روشنفکران ملی (که روشنفکران ملی مصداق اراده‌ی ملی به شمار می‌روند) در تضاد باشد، محکوم به فناست. ▲

مجهز به دستگاه پلات لمینت، دیجیتال فلکس و بنر ۶ رنگ سیکوی ژاپن



- مشاوره و برنامه ریزی
- عکاسی هنری و صنعتی
- طراحی گرافیکی
- چاپ و بسته بندی
- چاپ فضای داخلی و خارجی
- هدایای تبلیغاتی
- سر رسید، تقویم، دفتر تلفن اختصاصی
- غرفه آرایه‌ی و سازه‌های نمایشگاهی
- تبلیغات محیطی
- وب سایت و مالتی مدیا



تهران، خیابان مطهری، نرسیده به تقاطع شهروندی، پلاک ۱۰۰، واحد اول غربی
تلفن: ۸ - ۸۸۴۹۲۲۲۲ تلفکس: ۸۸۴۲۶۷۸
www.artkey.ir